

## آسیب‌شناسی تحریفات نهضت عاشورا و راهبردهای مواجهه با آن

### قدرت الله قربانی<sup>۱</sup>

**چکیده:** نهضت عاشورا دچار انواع تحریفات لفظی و معنوی شده است که نقش عوام شیعیان در وقوع آنها برجسته است. به نظر می‌رسد غفلت از علل و فلسفه وقوع حادثه کربلا، و دل‌مشغولی به امور عرضی آن و پیوند گرامی‌داشت نهضت عاشورا با معیشت مردم، موجب گسترش چنین تحریفاتی شده است. همچنین غلبه رویکرد عاطفی موجب چشم‌پوشی مردم از اتخاذ رویکرد عقلانی به این نهضت گردیده است. علاوه بر این موارد، عواملی چون تقدس‌سازی و تفسیر استثنایی، تفسیر شفاعت‌محور، عرف‌گرایی و تلقی عادت‌محور از نهضت عاشورا، از موارد مهم تحریفات این واقعه است. در این تحقیق ضمن آسیب‌شناسی علل و عوامل مختلف تحریف نهضت عاشورا، بر خطاهای رایج شیعیان در مواجهه با پاسداشت این نهضت و راهبردهای مواجهه با آنها تاکید خواهد شد. برخی از این خطاها عبارتند از: غفلت از فلسفه و اهداف نهضت عاشورا و تمرکز بر روش‌های عزاداری، عاطفه‌گرایی و احساس‌گرایی، نگرش طلب‌کارانه نسبت به امام حسین (ع)، محوریت روضه خوانان و مداحان بازاری به‌جای علما و نخبگان دردمند، آمیخته شدن نهضت عاشورا با فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای، و خلط در معیارهای حسینی بودن. در مواجهه با آسیب‌های مذکور راهبردهای زیر پیشنهاد می‌شود: ضرورت شناخت دقیق تاریخ عاشورا توسط عموم شیعیان، لزوم بازخوانی مداوم فلسفه و اهداف نهضت عاشورا، اهمیت تفکیک ذاتیات و عرضیات نهضت عاشورا از همدیگر، آسیب‌شناسی و اصلاح سنت روضه‌خوانی و مداحی، و تلاش برای تعمیق فهم مردم از آموزه‌های اصیل عاشورایی.

**واژگان کلیدی:** نهضت عاشورا، تحریف، شیعیان، رویکرد عقلانی، اهداف واقعه عاشورا.

\* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۸

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۲

۱. دانشیار فلسفه دانشگاه خوارزمی، [qodratullahqorbani@khu.ac.ir](mailto:qodratullahqorbani@khu.ac.ir)

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین تحریفات در تاریخ الهیات شیعی در خصوص واقعه عاشورا رخ داده است. مواردی چون: اهمیت این واقعه برای امت اسلامی، بویژه شیعیان، نگرانی حکومت‌های ظالم از تأثیرات منفی این واقعه بر علیه نظام حکومتی آنها، دل‌بستگی زیاد توده شیعیان به سیدالشهدا، تنها بعنوان برخی علل آشکار و پنهان وقوع برخی تحریفات در واقعه عاشورا هستند. در واقع، نگرانی دشمنان نهضت عدالت‌طلبانه امام حسین (ع) از بسط نتایج الهام‌بخش آموزه‌های عاشورا، از یک سو، و نگرش عاطفی و ناآگاهی برخی شیعیان نسبت به ماهیت نهضت عاشورا از سوی دیگر، از علل اصلی وقوع انواع تحریفات لفظی، محتوایی، معنوی و تفسیری در واقعه عاشورا و بسط تاریخی آن شده است؛ طوری که، امروزه بررسی و مطالعه تاریخ عاشورا و بسط تاریخی آن طی ۱۴ قرن گذشته، گویای تحریفات عمدی و سهوی است که این تحریفات هم در نحوه روایت واقعه عاشورا، هم در اجرای آئین‌های عاشورایی، و هم در تفسیرهای علمی نهضت عاشورا و دیگر ابعاد آن قابل مشاهده است.

اما توجه به خطری که از ناحیه تحریفات لفظی و محتوایی عاشورا متوجه ماست، خیلی مهم است. ابتدا بایستی توجه داشت که نهضت عاشورا از اصیل‌ترین نهضت‌های تاریخ صدر اسلام و ممیزه هویت فکر شیعی است. در این نهضت خونین است که آموزه‌های اصیل اسلامی مانند امر به معروف، نهی از منکر، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی، نفی ظلم، مظلوم دوستی و نظایر آن در تمام ابعاد خود متجلی می‌گردند. لذا عاشورا برای همه انسان‌های آزادی‌خواه، بویژه شیعیان، همچون راهنمای پویایی است که ما را در همه ابعاد زندگی مان همچون چراغ فروزان هدایت می‌کند و به زندگی ما معنایی الهی و عدالت‌گرایانه و آزادی‌خواهانه می‌دهد. حال اگر عاشورا چنین ارزش و جایگاه والایی در نظام جهان‌بینی الهی ما دارد و همواره به عنوان سنگر اعتقادی مهمی برای مبارزه با ظالمان و گسترش عدل و آزادی قابل استفاده است، پس تحریف آن از طرف دشمنان آزادی و عدالت نیز دارای اهمیت خاص خود است، و البته که تحریف آن از طرف دوستان نادان هم، گناه کوچکی نیست. به همین دلیل است که از زمان واقعه عاشورا، همواره عده‌ای از

از تحریف‌زدایی از آن، ممکن است منجر به مسخ و بی‌اثر شدن آن نهضت شود، برماست که تحریف‌زدایی از عاشورا را سرلوحه برنامه و رسالت عقلانی و دینی خود در پاسداشت این نهضت قرار دهیم و در این راه هم با تحریفات راه یافته از سوی دشمنان و هم تحریفات محبان و دوستانداران امام حسین (ع) مقابله و مبارزه نماییم، اگرچه شیوة برخورد با آنها لزوماً یکسان نیست، اما هدف تنها تحریف‌زدایی و معرفی چهره حقیقی نهضت عاشورا است. براین اساس، در این تحقیق، ضمن اشاره مختصر به مفهوم‌شناسی تحریف، به علل و عوامل وقوع تحریفات در نهضت عاشورا، سپس به ماهیت رسالت اندیشمندان آگاه و متعهد در این خصوص خواهیم پرداخت.

### ۱. مفهوم شناسی تحریف

اگرچه تحریف رویدادها، نصوص و داستان‌های دینی می‌توانند اشکال گوناگونی داشته باشند، اما در اینجا، به دو شکل مهم آن اشاره می‌گردد که عبارتند از تحریف‌های لفظی و معنوی یا محتوایی. منظور از تحریفات لفظی، تغییر عمدی یا سهوی عبارات یک متن یا نص دینی، جانداختن یا اضافه کردن به مطالب یک

دشمنان در تلاش برای تحریف لفظی و معنوی آن بوده و برخی دوست‌داران سیدالشهدا نیز بواسطه غلبه عاطفه و محبت‌شان نسبت به معرفت‌شان به اباعبدالله، خواسته یا ناخواسته آب‌یه آسیاب دشمن ریخته‌اند و جریان تحریف نهضت عاشورا را گسترش داده‌اند. بنابراین، غفلت دوست‌داران امام حسین (ع) از یک طرف و نگرانی دشمنان او از آموزه‌های عاشورایی از طرف دیگر، همواره دو خطر اصلی متوجه این نهضت مقدس بوده و است که غفلت اهل فکر و روشن‌اندیشان، ممکن است منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیری شود که از جمله آنها تهی شدن عاشورا از اهداف اصلی‌ای است که این نهضت برای اقامه شدن همان اهداف برپا شده است.

اکنون با ملاحظه تهدیدهای مهمی که از ناحیه تحریفات مختلف متوجه اصل و پاسداشت نهضت عاشورا است، رسالت دینی و عقلانی ما ابتدا در حفظ اصالت تاریخی روایت عاشورا، و در مرحله بعد بازشناسی تحریفات تاریخی لفظی و محتوایی است که در این نهضت رخ داده است. در واقع، از آنجا که تداوم تحریفات رخ داده در نهضت عاشورا و غفلت آگاهان

ما با گریه بر او به ثواب و شفاعت دست یابیم، اینکه در عزاداری عاشورا، هدف گریاندن مردم است و هر وسیله‌ای برای این هدف مجاز است و نظایر آن (رک): مطهری (۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۸۴).

تحریفات لفظی عمدتاً سطحی اند و راحت‌تر هم قابل درمان هستند، اما تحریفات معنوی خیلی عمیق‌تر بوده و بطور عمد توسط دشمنان بطور آگاهانه و توسط دوستان بطور ناآگاهانه مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این زمینه، از دید مرحوم شهید مطهری، بطور خاص سه تحریف اصلی در نهضت عاشورا رخ داده است: تحریف اول اینکه امام حسین شهید شد تا کفاره گناهان امت باشد، بنابراین شیعیان با صرف گریه و عزاداری بر او به بهشت می‌روند؛ تحریف دوم اینکه، این حادثه امری آسمانی بود و امام از سوی خدا برای کشته شدن، دستور خصوصی داشت؛ تحریف سوم اینکه، عزاداری ما برای تسلی خاطر حضرت زهرا است و ایشان با گریه‌های ما آرامش پیدا می‌کنند (مطهری، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۸۵-۲۸۶). بنابراین همانطور که این موارد هم نشان می‌دهند تحریفات معنوی و محتوایی، بسیار خطرناک بوده و ممکن است که بتوانند یک

داستان و یا کاستن و افزودن چیزهایی به اجزای یک رویداد مهم تاریخی و یا وقوع برخی اشتباهات عمدی یا سهوی در ثبت و روایت آنهاست. در اینجا لازم به ذکر است که کمبود امکانات در گذشته و نقش برخی عوامل دیگر، وقوع برخی تحریفات لفظی را اجتناب‌ناپذیر کرده بود که می‌توان با بازخوانی آنها از آنها تحریف‌زدایی کرد. اما تحریف معنوی و محتوایی، عمدتاً در فهم، تفسیر و بازگویی رخدادها، داستان‌ها و نصوص دینی واقع می‌شود و جالب‌تر اینکه تحریف معنوی بیشتر عمدی است. در این زمینه، مواردی را می‌توان ملاحظه کرد که از جمله تحریفات معنوی و محتوایی هستند که متوجه منحرف ساختن و تغییر روح و معنای یک متن و حادثه می‌باشند و موارد آن در مورد حادثه کربلا عبارت است از: اینکه عاشورا حادثه‌ای استثنایی و ورای درک بشری ماست، تبدیل کردن عاشورا به اسطوره‌ای ورای فهم بشر معمولی، اینکه هدف امام حسین (ع) از قیام، تسخیر کوفه یا صرفاً کشته شدن بود، اینکه هم کشته شدگان و هم کشندگان در واقعه عاشورا، چون هردو به اجتهاد خود عمل کردند، نزد خدا دارای اجر و ثواب هستند، اینکه امام حسین (ع) کشته شد تا

تمرکز می‌کنیم. زیرا نقش تخریبی شیعیان و محبان امام حسین (ع) بسیار بیشتر از دشمنان آن است.

#### ۱-۲. نقش شیعیان در تحریف عاشورا

نقش شیعیان در تحریف نهضت عاشورا بسیار مهم و خطرات ناشی از آن بسیار بیشتر بوده است. اهمیت این مساله از آن جهت است که نگرش عاطفی و جهل توده مردم از یک سو، ترس علما و محافظه-کاری‌های آنان از سوی دیگر، همواره بعنوان دو عامل مهمی ایفای نقش کردند که موجب تحریفات لفظی و بویژه معنوی در واقعه و نهضت عاشورا شده است. مهم‌ترین‌که، تولیدات ناشی از تحریفات مردم و علمای شیعه کمتر از اثرات سوء تحریفات دشمنان نبوده است. در این زمینه بایستی بر ترس علما از عوام‌اندیشی توده مردم و گرایش آنها به خرافات دینی را بعنوان مهم‌ترین عامل تحریفات معنوی حادثه کربلا در نظر گرفت. برخی از پژوهشگران، علاوه بر عامل عوام‌اندیشی توده مردم، عوامل دیگر زیر را از موجبات تحریف عاشورا از سوی علمای ظاهری و مردم شیعه می‌دانند: ۱. مظلومیت شیعیان در طول تاریخ؛ ۲. تسامح در ادله سنن؛ ۳. توجیه وسایل به وسیله اهداف؛ ۴. حس

حماسه و نهضت، مانند نهضت عاشورا، را مسخ و تهی کرده و آن را به صرف عادات و رسوم روزمره قوم و ملتی تبدیل کنند که صرفاً اعمالی را در گرامی داشت امام حسین (ع) تکرار می‌کنند، اما هیچ نتیجه عملی از تکرار چنین رسومی قابل حصول نیست. به همین دلیل، همواره مهم‌ترین تهدیدهای متوجه نهضت‌های مقدسی، چون عاشورا، همان تحریفات معنوی و محتوایی آنهاست که چنانچه نتیجه بدهد، قادر است یک نهضت مقدس و پویایی چون عاشورا را به عادت و رسمی بیهوده و بی‌خاصیت و حتی ضددین تبدیل سازد. در اینجا است که وظیفه متفکران دردمند و دین‌شناس دو چندان شده و تعهد آنها برای تحریف‌زدایی افزایش می‌یابد.

#### ۲. علل و عوامل تحریف

شناخت عوامل تحریف از مهم‌ترین گام‌ها در تحریف‌زدایی آگاهانه است. در این زمینه، می‌توان عوامل تحریف را از ابعاد چندی، مانند شرایط سیاسی، فرهنگی، علمی، فقدان منابع معتبر، ناآگاهی مردم، اغراض دشمنان، و نظایر آن ملاحظه کرد. در اینجا، ما ابعاد تحریف را، درخصوص واقعه عاشورا، از منظر عامل انسانی مورد توجه قرار داده و صرفاً بر نقش شیعیان

اسطوره‌سازی و افسانه‌پردازی؛ ۵. محوریت گریه بر امام حسین؛ ۶. قیاس به نفس؛ ۷. غربت اهل علم و انزوای دانشمندان روشن اندیش (صحتی، ۱۳۹۴، ص ۴۳).

درباره اینکه شیعیان در طول تاریخ، نسبت به اهل سنت مظلوم‌تر بودند تردیدی نیست، خفقان سیاسی و دینی دوران بنی‌امیه، بنی‌عباس و سپس خلافت عثمانی، که همگی از اهل سنت بودند و انزوای نسبی شیعه و دوری از عرصه سیاسی و اجتماعی جهان اسلام، شاهی بر این حقیقت است. خانه نشینی ائمه معصومین (ع) و شهید شدن آنها و عدم تشکیل حکومت شیعی مستقل و قدرتمند در طول قرون گذشته، به استثنای صفویه در ایران و فاطمیان در مصر، خود نیز گواه بر این امر گشته است. همین‌که با وجود شهادت وحشیانه امام حسین (ع) و یاران باوفای او، شیعیان و دوست‌دارانش طی برخی قرون گذشته اجازه عزاداری علنی او را نداشتند و قبر امام حسین (ع) بارها توسط خلفای جور زمان تخریب شده است، خود مویدی بر مظلومیت شیعه است. حال با نظر به این واقعیت، علمای شیعه در قرون گذشته حساسیت چندانی نسبت به ورود تحریفات در واقعه عاشورا نشان نمی‌دادند،

زیرا در آن شرایط سخت، اولویت اول و اصل مهم، حفظ خود واقعه و نهضت بود تا از اذهان مردم شیعه محو نشود (صحتی، ۱۳۹۴، ص ۴۴). با اینکه، می‌توان وجود چنین شرایطی را برای شیعیان بطورکلی پذیرفت، اما بایستی توجه داشت که در همه ادوار تاریخ شیعه، سختی شرایط یکسان نبود تا از اهمیت ورود تحریفات چشم پوشی کنند.

عامل دیگر، یعنی اینکه هدف وسیله را توجیه می‌کند، نیز دارای اهمیت خاص خود هست. این عامل دستاویز انسانهای زیادی برای سودجویی از دین و اخلاق شده است و حتی در تاریخ اسلام داستان حدیث‌سازی‌های دروغین نیز دارای چنین مبنایی بوده است. درحالی‌که قرآن کریم و احادیث مسلم ائمه معصومین (ع) به صراحت استفاده از هرگونه وسیله غیر مشروع، مانند دروغ و جعل و تحریف، را برای اهداف مشروع مجاز نمی‌دانند و آنها را به شدت سرکوب می‌کنند. پس، اینکه به منظور تحریک حس ترحم مردم و گریاندن آنها می‌توان دست به هر وسیله‌ای برد، قطعاً مورد پذیرش آموزه‌های دینی نیست، اگرچه متاسفانه برخی مداحان متملق دست به چنین حره‌ای می‌زنند.

یک سو، جهل و نادانی آنها نسبت به حقایق تاریخی، از سوی دیگر است؛ که نتیجه این دو عامل افراط مردم عادی در اسطوره‌سازی و افسانه‌پردازی درباب داستان‌ها و شخصیت‌های حماسی سرزمین یا فرهنگ خودشان است. متأسفانه دقیقاً از همین ناحیه است که گروهی از مردم شیعه، به دلیل حب دینی و عشق مخلصانه به اباعبدالله الحسین (ع)، و کم اطلاعی از جزئیات واقعه عاشورا، علاقه و آفری به اسطوره‌سازی و ساختن افسانه‌هایی درباب واقعه عاشورا و امام حسین (ع) دارند، تا آنجا که او و یارانش را انسانهایی استثنایی و بعضاً ورای بشر عادی معرفی می‌کنند.

عامل دیگر، تاکید بر اصل گریه در عزای حسین است، یعنی درگرمی داشت حسین باید گریست و هرکاری که موجب گریه ما بر حسین شود، شایسته است و نیز گریه بر حسین، موجب اجر بسیار و ثواب اخروی است. در واقع، در اینجا دو تحریف رخ می‌دهد، یکی تحریف در هدف، یعنی اینکه هدف ما از گریه بر حسین، رفتن به بهشت است، و دوم اینکه ما برای گریاندن مردم، مجاز به استفاده از هر وسیله‌ای هستیم. در واقع چه ضمانتی وجود دارد که

حس اسطوره‌سازی و افسانه‌پردازی، بعنوان عامل دیگر، قطعاً بعنوان یکی از علل مهم تحریفات عاشورا بوده است. تعلق خاطر عاطفی و احساسی توده مردم و آگاهی کم آنها از عمق آموزه‌های دینی، مظلومیت سیدالشهدا و یاران او و دیگر عوامل اجتماعی و دینی، باعث گردیده تا نقش این حس، بویژه توسط عموم مردم و مداحان متملق، بسیار بیشتر باشد. مرحوم شهید مطهری نیز یکی از مهم‌ترین تحریفات رخ داده در عاشورا را از این جنبه می‌داند که البته دشمنان هم در تقویت آن نقش داشتند. مطهری در تبیین این حس می‌گوید:

«قسمتی از تحریفاتی که در حادثه کربلا صورت گرفته، معلول حس اسطوره‌سازی است. اروپایی‌ها می‌گویند: در تاریخ مشرق زمین مبالغه‌ها و اغراق زیاد است. راست هم می‌گویند. ملا آقای دربندی در کتاب اسرارالشهاده نوشته است: سواره نظام لشکریان عمر سعد ششصد هزار نفر و پیاده نظام‌شان دو کروار بود و در مجموع یک میلیون و ششصد هزار نفر و همه اهل کوفه بودند!.. اینکه یک میلیون و ششصد هزار نفر سپاهی در آن روز جمع بشود و حسین بن علی هم سیصد هزار نفر آنها را بکشد، با عقل جور در نمی‌آید. این قضیه را به کلی از ارزش می‌اندازد» (مطهری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۵-۴۴).

اهمیت خطر ناشی از این حس، پیوند آن با بعد عاطفی و هیجانی مردم، از

کسی که برای سیدالشهدا می‌گرید، حتی اگر عالم به حق او نیز باشد، در راه اسلام و ایمان حقیقی گام بردارد و چه ضمانتی وجود دارد که او راه حق را طی کند؟ به گفته یکی از پژوهشگران، این واقعیت تلخی است که بسیاری از تحریفات عاشورا معلول عوام‌زدگی برخی از گویندگان مذهبی، یعنی خطیبان و مداحان، است. این فاجعه تا آنجا به تباهی و فساد می‌کشد که آنها پیش از هر چیز به فکر این هستند که ببینند عوام چه می‌خواهند و از نقل کدام داستان یا افسانه‌ای بیشتر خوشنود می‌شوند و همیشه در این دایره تنگ و تاریک به سر می‌برند که از دهان مردم می‌گیرند و به گوش آنها می‌دهند (صحتی، ۱۳۹۴، ص ۶۳).

در حالیکه، حقیقت‌عزاداری و گریه بر امام حسین (ع) و یارانش، فراهم‌سازی شرایط آگاهی و تنبیه ما به اهداف سیدالشهدا و اعلام این آموزه است که ما هم همراه آرمان‌ها و اهداف عاشورا هستیم و همچون سیدالشهدا و یاران او حاضریم در این راه جان خود را فدا کنیم.

عامل بعدی، قیاس به نفس است، یعنی برخی شاعران و مداحان به جای اینکه زبان حال امام حسین (ع) و یاران او را بیان

کنند، زبان حال خودشان را به تصویر کشیده و بیان می‌کنند. در نتیجه شئونات و صفات خود را به جای صفات سیدالشهدا معرفی می‌کنند. نتیجه این تحریف آن است که برخی مرثیه‌سرلیان و مداحان، وقایع عاشورا را با قوه تخیل خود پیوند زده، و آن‌طور که خود می‌خواهند آن را ترسیم می‌کنند، لذا چیزهایی به این حادثه اضافه می‌کنند که اصلا در آن وجود نداشته، و به منظور مظلوم‌نمایی امام حسین (ع) و اهل بیت او، چه ذلت‌ها به آنها نسبت می‌دهند که در شأن آنها نیست. در اعتراض به اینگونه تحریف عاشورا است که صدای مرحوم مطهری در می‌آید و می‌گوید:

«امروز باید عزای حسین را گرفت اما برای حسین در عصر ما یک عزای جدیدی است که در گذشته نبوده است و آن، این همه دروغ‌هایی است که درباره حادثه کربلا گفته می‌شود و هیچ‌کس جلوی این دروغ‌ها را نمی‌گیرد. برای مصیبت حسین بن علی باید گریست، ولی نه برای شمشیرها و نیزه‌هایی که در آن روز بر پیکر شریفش وارد شد، بلکه بخاطر این دروغ‌ها باید گریست» (مطهری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۰).

درواقع از عوامل مهمی که باعث رواج تحریف در نهضت عاشورا شده است، تلاش روضه‌خوانان برای ایجاد رقت قلب و گریه در مخاطبان بوده و در این مسیر، جستجوی سوزناک‌ترین و



رقت‌بارترین وقایع این حادثه نیز سرلوحه کارهای آنان شمرده شده است. این افراد اگر به چنین هدف و غرضی در مقاتل و منابع معتبر دسترسی پیدا نمی‌کردند، به جعل و پردازش اسطوره‌ها و افسانه‌های سوزناک و گریه‌آور اهتمام می‌ورزند تا به هر شکل ممکن، به هدف و نیت خود، که همان گریاندن مردم بود، جامه عمل بپوشانند (ضیایی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۰).

عامل آخر، غربت و مهجوریت اهل علم است. چراکه رواج ابعاد گوناگون واقعه عاشورا میان توده مردم، باعث خارج شدن کنترل آن از دست اهل علم دل‌سوز و متعهد گشته است. در واقع، بیان حقایق جلیدین که موجب بطلان عقاید خرافی مردم عادی شود، همواره خطراتی را برای اهل علم داشته است. در این زمینه است که امیرمومنان علی (ع) می‌گوید: «از کثرت نادانان، دانشمندان غریب‌اند» (بحرانی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۲۷۸).

متأسفانه همین مشکل، یعنی غربت علمای حقیقی، نه عالم‌نمایان، در خصوص واقعه عاشورا مشاهده می‌شود، طوری که علیرغم آثار روشنگرانه‌ای که آنها در تحریف‌زدایی از واقعه عاشورا نوشته‌اند و سخنان زیادی که گفته‌اند، ولی مردم

بواسطه گرفتار شدن در دام عوام‌اندیشی و همراهی خطیبان و مداحان عوام‌گرا، میدان در دست عالمان متعهد نیست. به همین دلیل، ما همواره شاهد گسترش تحریفات از وجوه گوناگون در بزرگداشت و روایت واقعه عاشورا هستیم.

حاصل سخن در باب عوامل تحریف آن است که شیعیان امام حسین (ع) در تحریف لفظی و معنوی عاشورا نقش مهمی داشتند. آنها بواسطه ارادت و محبت به اهل بیت و بویژه امام حسین (ع) و نیز غفلت از حقیقت این نهضت دست به چنین تحریفی زده‌اند که هنوز نیز ادامه دارد. اگرچه آگاهی نسبی جامعه شیعه، این نوید را می‌دهد که به تدریج از حجم تحریفات شیعیان کاسته شود، اما این مهم تنها زمانی امکان‌پذیر است که شناخت و عمل به آنچه که خواسته امامان (ع) است نسبت به محبت به آنها اولویت داشته باشد.

### ۳. تحریفات لفظی در واقعه عاشورا

متأسفانه واقعه عاشورا نه تنها مصون از تحریفات لفظی نبوده است، بلکه کلیت و جزئیات این واقعه، از سوی شیعیان دچار تحریف شده است. در اینجا، به عمده‌ترین تحریقات لفظی صورت گرفته در واقعه

تحریفات معنوی نهضت و واقعه عاشورا اهمیت بیشتری از تحریفات لفظی آن دارند، حتی می‌توان گفت که تحریفات لفظی نیز به طریقی در خدمت تحریفات معنوی و محتوایی واقعه عاشورا هستند. چرا که آنچه که در نهایت قادر است یک نهضت دینی مقدس، مانند عاشورا را از خاصیت و محتوا تهی نماید، آن، همان تحریفات معنوی است. پس، مهم‌ترین چالشی که نهضت عاشورا با آن مواجه بود و همواره نیز مواجه است، امکان تحریف معنوی و محتوایی آن است. نکته مهم دیگر آنکه تحریف محتوایی عاشورا، چه در زمان‌های گذشته و چه اکنون عمدتاً متوجه اهداف، آرمان‌ها و آموزه‌هایی است که از این نهضت مقدس صادر می‌شود، اگرچه ممکن است برخی تحریفات معنوی متوجه جزئیات واقعه یا روش‌های بکار رفته در آن و یا روش‌های حفظ و پاسداشت آن نیز شده باشد. در اینجا، تمرکز ما عمدتاً بر تحریفات متوجه اهداف، آرمان‌ها و نتایجی است که از نهضت عاشورا بیرون می‌آید.

#### ۱-۴. تقدس‌سازی و تفسیر استثنایی

یکی از مهم‌ترین تحریفات معنوی نهضت عاشورا تقدس‌سازی افراطی و تفسیر استثنایی از آن عمدتاً در میان شیعیان

عاشورا، بطور فهرست‌وار، اشاره می‌گردد و برخی از آنها که دارای اهمیت بیشتری هستند توضیح داده می‌شوند. برخی از این تحریفات عبارتند از: ۱. داستان خروج شاهانه امام از مدینه، ۲. داستان ناتمام گذاشتن حج در مکه و ترک آن شهر، ۳. داستان فتوای شریح قاضی برای کشتن امام حسین، ۴. موضوع پیشنهادهای ذلت‌بار در کربلا، ۵. داستان پراکنده شدن یاران امام در شب عاشورا و تنها ماندن امام، ۶. افسانه عروسی قاسم، ۷. افسانه شهربانو همسر امام در کربلا، ۸. داستان امام سجاد بیمار، ۹. افسانه سربه محمل کوبیدن حضرت زینب، ۱۰. افسانه شیر و فضا، ۱۱. داستان ناله کردن حضرت فاطمه برای امام، ۱۲. افسانه سقاییت ابوالفضل عباس در مسجد کوفه، ۱۳. داستان عبور اسرا از کربلا در اربعین اول، ۱۴. داستان نان و خرما دادن اهل کوفه به کودکان اسرا، ۱۵. حدیث ام ایمن و سربرهنگی حضرت زینب، ۱۶. داستان شیر و جسد امام حسین، ۱۷. داستان زنان موی پریشان اهل بیت در قتلگاه (طباطبایی، ۱۳۶۸، ص ۶۱-۶۴؛ نوری، ۱۳۷۵، ۱۸۳-۱۸۴؛ مطهری، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۱۱).

#### ۴. تحریفات معنوی و محتوایی در واقعه

#### عاشورا

در عالم منحصر بفرد و غیرقابل تکرار است، پس چه عذری برای قاتلین امام و چه امکانی برای ما برای پیروی از امام و راه روش او وجود دارد؟ بنابراین، واقعه عاشورا از آن جهت که در آن، امام معصوم و یاران باوفایش در نبردی نابرابر شهید شدند، بی‌همتا و منحصر بفرد است، اما از آن جهت که آن، قیامی برای امر به معروف و نهی از منکر و اقامه عدل بود، نه تنها منحصر بفرد نیست، بلکه همچون الگویی زنده است که آزادی خواهان و عدالت طلبان را هر روز برای برپایی چنین قیام‌هایی دعوت می‌کند. در واقع، جنبه تحریفی این رویکرد آن است که تاکید افراطی بر منحصر بفرد بودن واقعه و نهضت عاشورا، مانع الگوگیری نظری و عملی از آن شده و ما را در مبارزه با نظام‌های ظلم و ستم ناتوان می‌سازد.

#### ۲-۴. تفسیر شفاعت محور

از دیگر تحریفات بزرگ معنوی شیعیان در باب نهضت عاشورا، تاکید بر این است که امام حسین (ع) کشته شد تا شیعیان و پیروان خود را شفاعت کند و گناهان آنها را، هم در این دنیا و هم روز آخرت ببخشد. در واقع، مشابه دیدگاهی که مسیحیان درباره به صلیب کشیده شدن حضرت

است. در این رویکرد بیان می‌شود که امام حسین (ع) از سوی خدا حامل ماموریت خاصی بود و طبق مشیت الهی سیر حوادث همین‌طور پیش می‌رفت و او می‌بایستی مطابق خواسته خدا در سرزمین کربلا کشته می‌شد. پس، عاشورا واقعه‌ای خاص و منحصر بفرد از منظر الهی است. در این زمینه برخی به سخنان و احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و خود امام حسین (ع) هم استناد می‌کنند. اینکه پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع) و امام حسین (ع)، از قبل نسبت به واقعه عاشورا علم داشتند و می‌دانستند که چنین واقعه‌ای در سرزمین کربلا روی خواهد داد، مهم است (مجلسی، بی‌تا، ج ۴۴، ص ۲۶۸-۲۲۳). توجه به این نکته نیز مهم است که علم امام به آنچه که در آینده روی می‌دهد، نیایستی مانع سیر طبیعی رویدادها شود. پس، در اینجا ما منکر علم امام به شهادت خود نیستیم، اما تفسیر ماورایی و خارج از کنترل بشر از علم امام و اینکه شهادت امام دقیقا در تقدیر الهی او ثبت شده بود، این مشکل را ایجاد می‌کند که پس، اگر امام حسین (ع) دارای چنین ماموریت الهی بود و تقدیر شده بود که در چنین سرزمینی و در چنین روزی کشته شود، ضمن اینکه این واقعه نیز

عیسی (ع) دارند، برخی شیعیان نیز کشته شدن امام حسین (ع) را خونهای گناهان خود می‌دانند، یعنی امام با شهید شدن خود، کفارة گناهان امت خود را پرداخت کرد. پس، امت او نیز تنها کافی است که در عزای حسین بگریند و با ریختن اشک در رسای امام شهید شده، اجر و پاداش دنیوی و اُخروی دریافت کنند. مرحوم شهید مطهری در تبیین و نقد این دیدگاه می‌گوید:

«شهادت آن حضرت به عنوان کفارة گناهان امت واقع شد! امام حسین (ع) شهید شد که اثر گناهان را در قیامت خنثی کند و به مردم از این جهت آزادی بدهد. در حقیقت مقابل این عقیده، باید گفت امام حسین (ع) دید که یزیدها و ابن زیاد و شمر و سنان‌ها هستند، اما عده‌شان کم است. خواست کاری بکند که بر عده اینها افزوده شود. اباعبدالله که برای مبارزه با گناه کردن قیام کرد، ما گفتیم قیام کرد تا سنگری برای گنه‌کاران باشد. گفتیم حسین (ع) یک شرکت بیمه تاسیس کرد، بیمه چه؟ بیمه گناه. گفت ایهاالناس! هرچه می‌توانید بد باشید، من بیمه شما هستم» (مطهری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۷).

این دیدگاه از بزرگترین تحریف‌ها و خطرناک‌ترین آنها در باب واقعه و نهضت عاشورا است که متأسفانه موجب تهی شدن محتوای نهضت عاشورا، نقله شدن خون امام حسین (ع) و به هدر رفتن اثرات این نهضت می‌شود. از همه بدتر اینکه، توده سطحی اندیش شیعه، عمدتاً همین

دیدگاه را در باب امام حسین (ع) دارند و از طریق عزاداری برای اباعبدالله الحسین، بیشتر از اینکه دغدغه انجام وظایف دینی خود را داشته باشند، دنبال رفع حاجات و نیازمندی‌های مادی و بعضاً معنوی خود هستند. در واقع، همانطور که شهید مطهری نیز درمندان بیان می‌کند، شیعیان سطحی‌اندیش، دستگاه امام حسین (ع) را با سازمان بیمه اشتباه گرفته‌اند، و با نگاهی طلب‌کارانه، انتظار دارند تا با ریختن قدری اشک، یا دادن نذری و نظایر آن در عزاداری محرم، سازمان بیمه سیدالشهدا، همه نیازهای مادی و معنوی آنها را تامین نماید. در این نگرش، روح بلند رهبر نهضت عاشورا نقله می‌شود، یعنی آموزه‌هایی چون امر به معروف، نهی از منکر، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی جایی در گرامی‌داشت عاشورا ندارند، بلکه این اعمال ظاهری و ارادت‌ورزی‌های ریاکارانه و صدای گریه-های بلند و دروغ‌های چاپلوسانه برخی مداحان است که معیار معنویت مجلس را تعیین می‌کند. متأسفانه نتیجه طبیعی چنین تحریفی توسط توده مردم و کمک عمدی یا سهوی برخی روضه‌خوانان و مداحان به تقویت این رویکرد، موجب تهی شدن مراسم‌های گرامی‌داشت عاشورا می‌شود، و

مردم خود را دلخوش انجام عزاداری و دریافت پاداش‌های رایج کرده، ولی از اخلاق عاشورایی و آموزه‌های آن غافل می‌شوند.

### ۳-۴. عرف‌گرایی و نقلی عادت‌محور

یکی دیگر از مهم‌ترین تحریفات معنوی نهضت عاشورا، غفلت از جنبه معرفت‌زایی و حماسی آن، و در عوض تبدیل کردن آن به عادت و رسمی اجتماعی و گرایش به عرف‌گرایی است. خطر این تحریف دور شدن از آموزه‌های اصیل عاشورا، دلخوش شدن و محدود شدن به جنبه‌های آئینی و عملی عزاداری و نظایر آن است. به عبارت دیگر، خطر عرف‌گرایی آن است که بتدریج حماسه‌ها را از خاصیت می‌اندازد، حتی اگر ظاهر آن حماسه‌ها بارها در جوامع میان مردم تکرار شوند، چرا که به عادت همیشگی مردم تبدیل شده‌اند. ضمن اینکه تمرکز افراطی بر عاطفه‌گرایی و احساسات و هیجانات مردم، مانع تعقل درباره فلسفه و چرایی چنین نهضت‌های حماسی می‌گردد. دقیقاً در همین زمینه است، که تلاش برخی گردانندگان و مداحان و روضه‌خوانان بر هر چه سیاه‌تر نشان دادن صحنه‌های قتل و غارت شهدای کربلا متمرکز می‌شود، چون از این طریق،

می‌توان اشک بیشتری از مردم گرفت و احساسات آنها را برانگیخت. ولی همین گردانندگان مراسم‌های عاشورا، در واقع ناتوان از تصویرسازی و بیان عظمت صحنه‌های معنوی عاشورا هستند. باز دقیقاً در همین زمینه است که نسبت دادن واژه‌های دروغین و تاسف‌باری چون غریب، مظلوم، تشنه، بی‌کس، بی‌یار و نظایر آن با بار منفی خاص خود، نسبت به امام حسین (ع)، ارزش و اهمیت خاص خود را به دست می‌آورد. جالب است که حامیان چنین رویکردی، از یک طرف امام حسین (ع) را، امام حاضر، صاحب ولایت، شفاعت‌کننده، عالم به امور غیب، و نظایر آن می‌دانند و از طرف دیگر، او را فردی بی‌کس، بی‌تقصیر، بی‌پناه، بی‌یاور و نفله شده می‌پندارند و برخی مداحان ناآگاه به مردم اینگونه تلقین می‌کنند که عزاداری کنونی ما برای تسلاهی خاطر حضرت زهرا (س) است، چون ایشان همیشه در بهشت بی‌تابی می‌کنند و هزار و چهارصد سال است که آرام و قرار ندارد. شهید مطهری در حمله به این نگرش غیرعقلانی می‌گوید:

«آیا این حرف مسخره نیست. بعد از هزار و چهارصد سال، هنوز حضرت زهرا احتیاج داشته باشد، در صورتی که به نص خود امام حسین (ع) به حکم ضرورت دین، بعد از شهادت امام حسین (ع)، ایشان

و حضرت زهرا (س)، نزد یکدیگرند. مگر حضرت زهرا بچه است که بعد از هزار و چهارصد سال هنوز بر سر خود بزند» (مطهری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۶).

## ۵. خطاهای شیعیان ما در پاسداشت نهضت عاشورا

منظور از خطاهای شیعیان در پاسداشت نهضت عاشورا، اشتباهات و غفلت‌ها و خطاهایی است که نسل امروز در حفاظت و بالندگی نهضت عاشورا دچار آن می‌شوند. اهمیت و خطر این خطاها در آن است که عصر حاضر، که قرن اطلاعات نام گرفته و ما با پیشرفت‌های شگفت‌آور علمی مواجه هستیم، بشر به عقلانیت بیشتری نیازمند است تا ضمن حفظ باورهای درست خود، نسبت به تصحیح و تقویت آنها اقدام کند. در واقع در عصری که عقلانیت، مهم‌ترین وجه و ویژگی آن است و همچنین باورهای دینی از سوی ملحدان و مخالفان مورد حمله قرار می‌گیرند، تنها نگرش عقلانی و عقلانیت دینی است که نجات‌بخش ماست، نه افراط‌گرایی از هر نوع که باشد. بر این اساس، در اینجا، به برخی از مهم‌ترین خطاهایی اشاره می‌شود که ما به منظور پاسداشت نهضت عاشورا با آن مواجه هستیم.

### ۱-۵. غفلت از فلسفه و اهداف نهضت عاشورا و

#### تمرکز بر روش‌های عزاداری

در نهضت عاشورا بایستی نقش سه عامل مهم هدف، روش و ابزار از هم تفکیک و تمایز داده شوند. خطر عدم تفکیک آنها و خلط آنها باهم، موجب تحریف در آموزه‌های بنیادی خواهد شد که نهضت عاشورا برای برپایی آن آموزه‌ها ایجاد شده است (قربانی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۵-۲۴۶). بنابراین، اکنون یکی از تحریفاتی که ما را بعنوان شیعیان امام حسین (ع) تهدید می‌کند، خطر غفلت از فلسفه و اهداف نهضت عاشورا و دلخوش شدن به روش‌های عزاداری، ابزارهای عزاداری و مسائل حاشیه‌ای آن است. متأسفانه این خطر خیلی جدی است و هر روز ابعاد بیشتری هم به خود می‌گیرد. علت گسترده‌تر شدن این خطر و تحریف، آن است که جریان عزاداری عاشورا عمدتاً در استان مردم عادی است، درحالی‌که عمده مردم بیشتر از آنکه درباره عاشورا مطالعه کنند، به سنت عزاداری کردن علاقه دارند. بنابراین تقریباً در میان مردم، تأمل و تعمق درباره فلسفه عاشورا، بسیار کم است، همانطور که عمده مردم مشاهده انواع فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی، بعضاً مفید یا غیر مفید، را به مطالعه علمی و دینی

ترجیح می دهند. به همین دلیل، عمده فعالیت مردم، در ماه های محرم و صفر، بر اصل برقراری عزاداری و حواشی پرسرو صدای آن متمرکز است و کمتر کسانی پیدا می شوند که این دو ماه را فرصتی بدانند برای تأمل در ماهیت نهضت عاشورا. همین غفلت از توجه به فلسفه و چرایی قیام امام حسین (ع) از سوی مردم، بتدریج باعث گردیده تا بیشتر خطیبان و روضه خوانان و تقریباً بیشتر مداحان از بیان فلسفه عاشورا سربپیچند و عمدتاً به نقل داستان عاشورا، آن هم عمدتاً صحنه های سیاو شهید شدن امام و یاران او تمرکز کنند، که تصویر این صحنه ها، رقت انگیز و اشک آوراست و احساسات دینی مردم را برمی انگیزاند. در حالیکه، عمده مردم، از فهم ماهیت پرسش هایی مانند: چرایی قیام امام حسین (ع)، علت بیعت نکردن او با یزید، چرایی لیبیک گفتن امام به دعوت نامه های کوفیان، علت خیانت کوفیان به وعده هایشان، ماهیت سخنان و خطبه های امام در موقعیت های مختلف، نتایج ناشی از نهضت عاشورا و نهایتاً آموزه های محوری ناشی از قیام امام حسین (ع)، یا کاملاً بی اطلاع اند یا اطلاع بسیار کمی دارند. اکنون می توان گفت، وقتی بیشتر

مردم و عزاداران قیام ابا عبدالله تقریباً از فلسفه قیام غافل باشند و دغدغه اصلی آنها صرفاً نحوه باشکوه برگزار کردن مراسم باشد، بطور طبیعی موضوعات فرعی و حاشیه ای جای مسائل اساسی را پر می کنند و خود فلسفه عاشورا بتدریج به فراموشی سپرده می شود. مرحوم شهید مطهری، آفت درست تبیین نشدن فلسفه عاشورا را موجب فلسفه تراشی های انحرافی در میان مردم می داند که دو مورد مهم آن اعتقاد برخی عزاداران به اینکه کشته شدن امام حسین (ع) کفاره گناهان آنها و برای شفاعت و آمرزش گناهان آنهاست، همین که شیعیان ولایت و محبت آن حضرت را داشته باشند، برای برخورداری از شفاعت کافی است (مطهری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۶).

## ۵.۲. عاطفه گرایی و احساس گرایی

ابتدا بایستی توجه داشت که نهضت عاشورا، نهضتی دینی است که دارای جنبه عاطفی نیز است، زیرا در جریان واقعه عاشورا انسانهای بزرگی چون امام حسین (ع) و یاران باوفای او بطرز فجیعی کشته شدند که این فاجعه جنایت بار، قلب همه انسانهای باوجدان را به درد می آورد. اما جنبه مهم و اصیل عاشورا، که بُعد عقلانیت

و نورانیت آن را تامین می‌کند، همان اهداف و آموزه‌های نابی است که قیام عاشورا برای تعالی آنها برپا شده است؛ آموزه‌هایی چون امر به معروف، نهی از منکر، آزادی خواهی، عدالت طلبی و ظلم‌ستیزی، تنها نمونه‌های مهم اهدافی هستند که عقلانیت و معنویت عاشورا بر آنها مبتنی است. حال، مقایسه این دو جنبه، بطور طبیعی، ذاتی و اصیل بودن بُعد عقلانی و معنوی، عرضی و فرعی بودن بعد عاطفی و احساسی را نشان می‌دهد، که رسالت ما در تاکید موکد بر بُعد عقلانی و معنوی، و خودداری از اصرار افراطی بر بُعد عاطفی است، اگرچه اصرار بر بُعد عقلانی نبایستی موجب به فراموشی سپردن بُعد عاطفی نهضت عاشورا شود. اکنون تحریف مهمی که رسالت ما را در پاسداشت نهضت عاشورا تهدید می‌کند، تمرکز بر بُعد عاطفی و احساسی قیام کربلا و غفلت از جنبه عقلانی و معنوی آن است. متأسفانه این غفلت در عزاداری‌های کنونی بویژه در مداحی‌ها بیشتر رخ می‌دهد. علت این کار تلاش برخی مداحان برای اشک ریختن مستعین و در نتیجه اصرار افراطی آنها در بازگویی و پرورش تخیلی بُعد عاطفی، یعنی جنبه سیاه و جنایت‌بار واقعه عاشورا است. دقیقاً در این رویکرد

است که اهمیت داستان‌های جعلی، مانند عروسی قاسم در روز عاشورا به درخواست امام حسین (ع)، یا حضور حضرت زهرا بر بالین ابوالفضل عباس، یا سربه محمل کوبیدن حضرت زینب، و نظایر آن، شیرینی و جذابیتی بیش از پیش می‌یابند و از طرفی اشک‌های مردم را روانه ساخته و از سوی دیگر بازار دین فروشی و ارتزاق از راه دین را رونق می‌بخشند (آقاجانی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۳-۳۶۰).

نتیجه حاصل، گریه مردم بر کشته شدن فجع امام حسین (ع) و یاران او است، اما در عمل هیچ آموزه الهام بخشی برای زدودن ظلم و برقراری عدالت حاصل نمی‌شود. بلکه تاکید افراطی بر جنبه عاطفی و گسترش احساس‌گرایی در عزاداری عاشورا، دو نتیجه منفی دارد: اول، ترحم ما به بیچارگی و ذلت و تنهایی اباعبدالله و یاران او و اسیران اهل بیت، و دوم طلب اجر و پاداش از امام، از آنجا که او قبلة حاجات است، که متأسفانه این نتیجه، نماد مسخ نهضت عاشورا توسط ماست.

### ۵.۳. نگرش طلب‌کارانه نسبت به امام حسین

#### (ع)

بایستی توجه داشت که شیعه واقعی نسبت به امامان معصوم (ع) سه وظیفه مهم دارد



که عبارتند از شناخت، محبت و پیروی از آنها. معنای این سه وظیفه آن است که شیعیان در واقع، وظایف مهمی دارند که در این سه اصل خلاصه شده است (قربانی،؟؟؟؟). پس، عزاداری عاشورا بایستی تجلی و تحقق عملی این سه وظیفه مهم باشد، یعنی وظیفه ما از طریق عزاداری اباعبدالله الحسین، تلاش برای شناخت فلسفه قیام او، دوست داشتن خود امام و آرمان‌هایش و آنچه که او دوست دارد، و عمل به آن آموزه‌هایی است که نهضت عاشورای امام حسین (ع) برای آنها برپا شده است. پس عزاداری عاشورا، احیای امر اهل بیت و بویژه اهداف والایی است که سیدالشهدا برای زنده ماندن آنها، شهید شد که مهم‌ترین آنها امر به معروف، نهی از منکر، آزادی خواهی، عدالت طلبی و ظلم‌ستیزی است. حال تحریفی که امروزه در برخی عزاداری‌ها در این زمینه صورت می‌گیرد، غفلت از این سه وظیفه مهم و تلقین این فکر است که عزاداری ما برای کسب ثواب و اجر و بویژه شفاعت و بخشیده شدن گناهان ما توسط امام حسین (ع) است. گویا امام حسین (ع) شهید شدند که ما با گریه بر شهادت مظلومانه او، امور دنیوی دین خود را سامان بدهیم.

همانطور که خود امام حسین (ع) هم به این مساله اشاره کرده و گفته‌اند که: «مردم بنده دنیا هستند و تا آنجا به دیندار بودن وانمود می‌کنند که دین برای سامان‌دهی امور دنیای آنها بکار آید، اما وقتی زمان امتحان فرا می‌رسد، دینداران واقعی اندک می‌شوند» (خوارزمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۳۷). متأسفانه، باز تاکید می‌شود که این نگرش طلب‌کارانه به ائمه معصومین (ع) و در عزاداری سیدالشهدا نسبت به امام حسین (ع) موجب تهی شدن محتوای عزاداری و تبدیل شدن آن به بازار تامین معاش دنیوی، خرید ثواب و کسب شفاعت و نظایر آنها می‌شود. در این بازار عجیب، ائمه مظلوم ما مانند سازمان‌های بیمه، که همواره دغدغه پرداخت خسارت‌های وارده بر مردم را دارند، بایستی همواره دست به سوی خدا دراز کنند و برای طلب حاجات دنیوی و بعضاً اخروی شیعیانی دعا کنند، که آن شیعیان، متأسفانه، به وظایف سه گانه خود، یعنی تلاش برای شناخت ائمه، دوست داشتن آنها و عمل به دستوراتشان، به درستی عمل نمی‌کنند.

#### ۵.۴. محوریت روضه خوانان و مداحان سطحی اندیش به جای علما و نخبگان ژرف اندیش

از آنجا که واقعه عاشورا در میان همه مردم، اعم از خواص و عوام، ریشه دوانده

است، اما گسترش کمی آن در میان عوام و گسترش کیفی آن در میان خواص، یعنی علما و اندیشمندان و نخبگان، بیشتر است. مشکلی که در اینجا وجود دارد و موجب تحریف تدریجی نهضت عاشورا می‌شود، گرایش عوام به خرافات و عوام‌اندیشی است که برخی مداحان و روضه‌خولنان سطحی‌اندیش و ناآگاه نقش مهمی در این زمینه دارند. در اینجا، در واقع تحریف از آن جهت است که شور جای شعور را می‌گیرد. در تبیین این امر، ابتدا بایستی توضیح داده شود که بطور طبیعی توده مردم، بواسطه عدم تعقل لازم در دین، نگاه احساسی و بلکه خرافی به دین دارند. برخی محققین معتقدند که تاریخ نشان داده است که طلای دین، در دست مردم، به مس تبدیل می‌گردد و یا مس در آن داخل می‌شود (اسفندیاری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴).

به گفته ویل دورانت، توده‌های مردم خواهان دینی هستند که از حیث معجزه و اسرار و اساطیر غنی باشد (دورانت، ۱۳۶۸، ص ۲۰۷). یعنی جنبه عقلائی دین برای توده مردم ثقیل الهضم و چندان جذاب نیست، بلکه آنها دلبسته جنبه‌های اساطیری، خرافاتی، و اسرارآمیز دین هستند. حال مشکل اصلی آن است که

برخی مداحان چاپلوس و روضه‌خوانان سطحی نیز هم‌رنگ جماعت می‌شوند و همه اینها دست در دست هم بازار عوام‌گرایی و عوام‌اندیشی را رواج می‌دهند. دقیقا در همین زمینه است که مرحوم مطهری، که خود از طبقه روحانیون و دردمند مشکلات روحانیت شیعه است، حدود ۶۰ سال گذشته زبان به شکوه از وضعیت اسفناک عوام‌فریبی و عوام‌اندیشی روحانیت شیعه آن زمان بازمی‌کند (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۳۷۲، ص ۲۹۶-۳۰۰). بنابراین گرایش به عوام‌اندیشی علمای دینی و نخبگان فکری و حتی عزلت نخبگان و اندیشمندان متعهد، یکی از آسیب‌های جدی است که نهایتا به تحریف معنوی نهضت عاشورا منجر می‌شود. در این زمینه، سخنان آیت الله شهرستانی قابل تامل است. او می‌گوید:

«علما و مجتهدان به دلیل ترس از مردم، برخلاف اعتقاد خویش سخن می‌گویند. آنان با عامه مردم به یک نحو سخن گفته و در رساله‌های عملیه خود به نحو دیگر اظهار نظر می‌کنند. فقیه بخاطر ترس از تحریک احساسات مردم علیه خویش، در فتاواش با آنان همراهی می‌کند. اینگونه موضع‌گیری‌ها، به زیان دین و مذهب تمام شده و موجب عقب‌ماندگی جامعه دینی می‌شود. از آنجا که افراد جاهل همیشه به خرافات و بدعت‌ها تمایل دارند، لذا هنگامی که علما در مقابل آنان سکوت کنند، بدعت‌ها بر حقایق دینی غلبه کرده و دین اسلام به نوعی بت‌پرستی

وحشیانه تبدیل شده و تمسخر سایر امت‌ها را به دنبال خواهد آورد» (شهرستانی، ۱۹۳۰، ص ۲۶۶).

بنابراین این سخنان پیوند صفاتی چون مصلحت‌اندیشی، ترس، خرافه‌گرایی و عوام‌اندیشی را در بین علما و مردم نشان می‌دهد که چه خطراتی داشته و می‌تواند منجر به چه تحریفات بزرگی شود. در همین زمینه است که آیت الله سید محسن امین، تلاش بسیاری در مبارزه با خرافات دینی بویژه در باب نهضت عاشورا انجام داده است و در این راه چه مرارت‌ها و سختی‌هایی کشیده است. او در یکی از آثار خود، وضعیت نابسامان عزاداری اباعبدالله را که علما و روضه خوانان در ایجاد آن نقش دارند، چنین توصیف می‌کند:

«بسیاری از روضه خوان‌ها احادیث بی‌پایه و غیرمستند دربارهٔ مصائب اهل بیت جعل کرده و بعضی از احادیث صحیح را نیز با اضافاتی از خویش تغییر داده‌اند. آنان با این کار خود درصدد تاثیرگذاری بیشتر بر شنوندگانی هستند که از صحت و سقم آن اخبار بی‌اطلاعتند. اینگونه روایات بتدریج بین مردم شهرت یافته و در مجالس مختلف خوانده می‌شود. اندیشمندان و آگاهان نیز به مخالفت با این روند بر نمی‌خیزند. این درحالی است که دروغ بستن بر اهل بیت (ع) موجب خشم و نارضایتی آنها شده و راه عیب‌جویی و طعنه به مذهب شیعه را برای مخالفان می‌گشاید؛ درحالیکه ائمه اطهار (ع) به شیعیان خود سفارش کرده‌اند که مایه زینت ما باشید و لکه ننگ

و عار بر ما نگردید. اینگونه افراد و پیشگامان و مریدانشان برای خود گناهای بزرگ و آشکار ثبت کرده‌اند. چرا که اطاعت از خداوند هیچ‌گاه از طریق معصیت محقق نمی‌شود و او تنها پرهیزگاران را می‌پذیرد» (امین عاملی، ۱۹۲۸، ص ۱۴-۱۸).

پس همدستی برخی علما و روضه‌خوانان با توده مردم، از یک‌سو، و گرایش مردم به خرافات از سوی دیگر، از مهم‌ترین عوامل تحریفات معنوی در پاسداشت نهضت عاشورا در روزگار کنونی است. در این زمینه، بایستی به ترس علما و نخبگان جامعه از مردم هم اشاره داشت. یعنی از آنجا که مردم به راحتی از خرافات دست بر نمی‌دارند، اصرار علما بر بیدارگری دینی و خرافه‌زدایی ممکن است به کنار گذاشتن و عزلت آنها منجر شود، یعنی آنها در نتیجه مخالفت با اندیشه‌های ناصواب مردم، به لحاظ اجتماعی طرد شوند و منزلت اجتماعی خود را از دست بدهند.

#### ۵.۵. آمیخته شدن نهضت عاشورا با فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای

یکی از ویژگی‌های نهضت‌های دینی، آمیزش تاریخی آنها با فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای است، یعنی جریان‌ها و نهضت‌ها، بتدریج خصلت‌ها، رنگ و بوی قومی و قبیله‌ای را می‌گیرند و ویژگی‌های بومی در نحوه فهم و بازتاب اجتماعی آنها اثر

می‌گذارد. در این زمینه، نهضت عاشورا نیز بواسطه تاریخ ۱۴ قرنی آن و بسط در میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف، تحت تاثیر ویژگی‌های قومی و بومی آنها واقع شده است؛ بطوری‌که برای مثال، فهم و نحوه نگاه عرب‌ها، فارس‌ها، ترک‌ها، کردها، لرها، بلوچ‌ها و گیلک‌ها درباره آن یکسان نیست، بلکه عناصری از فرهنگی بومی و نژادی آنها در نحوه نگرش‌شان به نهضت عاشورا تاثیر گذاشته است. در واقع از آنجا که نهضت عاشورا در طول تاریخ طولانی خود، در قالبی اجتماعی و مردمی، میان ملل مسلمان بسط یافته است، بواسطه تنوع قومی آنها، شکل عزاداری، و حتی نوع فهم و بازخوانی آن تحت تاثیر مولفه‌های قومی آنها بوده است. از این‌رو، همانگونه که زبان، و برخی مولفه‌های قومی و قبیله‌ای از یک سرزمین به سرزمین دیگری، تفاوت کرده، نوع نگاه دینی و آئینی آنها هم به نهضت عاشورا و چگونگی پاسداشت آن تفاوت داشته است (آقاچانی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۵).

اگر چنین تاثیرگذاری‌های بومی و قومی در موضوعات و مسائل حاشیه‌ای نهضت عاشورا باشد، چندان مهم نیست و حتی تا حدودی هم طبیعی است، ولی اگر

کلیت فهم آنها از نهضت عاشورا را تحت تاثیر قرار دهد، می‌تواند بعنوان یک تحریف محتوایی مهم آن لحاظ شود، زیرا تاکید بر این ویژگی موجب مسخ هویت نهضت عاشورا می‌گردد.

#### ۵.۶. خلط در معیارهای حسینی بودن

از دیگر موارد مهم تحریف نهضت عاشورا در مقام پاسداشت آن، وجود تعاریف مختلف از ویژگی‌های شیعه امام حسین (ع) است. در اینجا، معیارهای حسینی بودن، به معنای داشتن شرایط لازم شیعه امام حسین (ع) است. در این خصوص، بیان شد که مهم‌ترین صفت و خصلت یک شیعه اصیل، و در اینجا یک فرد پیرو امام حسین (ع)، در داشتن سه ویژگی زیر است: ۱. شناخت درست امام حسین (ع) و آموزه‌های عاشورایی او؛ ۲. محبت و دوست داشتن آنچه که مورد پسند امام است و ۳. عمل به آموزه‌ها و دستورات امام حسین (ع) و آموزه‌هایی که در سخنان آن امام و دیگر ائمه معصومین متجلی است. همانطور که در این معیارها ملاحظه می‌شود، هر سه ویژگی حسینی بودن، به شناخت، محبت و پیروی از امام حسین (ع) مربوط است و دیگر کارهای ظاهری و علائم نمادین، نشانه و معیاری برای حسینی بودن و شیعه مطلوب ائمه بودن

نیست. در واقع، داشتن سه ویژگی مذکور به ما متذکر می‌گردد که معرفت و آگاهی دینی، عمل به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی و تعبد به احکام و دستورات فقهی و عبادی اسلام و نظایر آن، از لوازم قرار گرفتن در دایره شیعه امام حسین (ع) است. در حالیکه دلبستگی به برخی کارهای ظاهری و نمادین، مانند برقراری عزای امام حسین (ع)، سینه زدن برای او، گریه در مصیبت او، پوشیدن لباس مشکی، دادن نذورات در ایام محرم و برپایی مراسم عزای او و موارد شبیه آنها، اگرچه همگی مفید و ارزشمند هستند، اما هیچ‌یک برای تعیین اینکه چه کسی شیعه واقعی امام حسین (ع) است، کفایت نمی‌کنند، زیرا اعمال فوق جزء امور حاشیه‌ای و عرضی مربوط به معیارهای حسینی بودن است، در حالیکه ویژگی‌های ذاتی حسینی بودن، به داشتن معرفت دینی درست، دوست‌دار اهل بیت بودن و عمل به آن چیزی است که آنها خواسته‌اند. پس، می‌توان فرد شیعه‌ای را فرض کرد که ممکن است هیچ‌یک از علائم و ویژگی‌های ظاهری فوق را نداشته باشد، حتی ممکن است او چندان در عزاداری سیدالشهدا هم شرکت نکند، اما سه ویژگی ذاتی و اصلی شیعه

بودن، یعنی شناخت، محبت و پیروی از ائمه، را داشته باشد. قطعاً چنین فردی شیعه واقعی امام حسین (ع) بوده و دارای معیارهای حقیقی حسینی بودن است، حتی اگر به ظاهر در زمره عزاداران او نباشد.

حال تحریف مهمی که از این حیث متوجه پاسداشت نهضت عاشورا است، غفلت عمده مردم از ویژگی‌های ذاتی حسینی بودن و دل‌مشغول شدن به برخی ویژگی‌های ظاهری آن است. وقتی که چنین اتفاق ناگواری رخ دهد، روح نهضت عاشورا از بین رفته، عزاداری محرم به فضایی برای کسب اعتبار و تفاخر اجتماعی تبدیل می‌گردد و بازار دین فروشی، تفاخر و ریاکاری دینی رونق می‌گیرد و دیگر نمی‌توان از آموزه‌های اصیل عاشورایی، یعنی امر به معروف، نهی از منکر، آزادی‌طلبی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی سخن گفت. در این وضعیت ناگوار، که متأسفانه بر برخی از مراسم‌های عاشورایی سایه افکنده است، مواردی چون: نحوه برگزاری مراسم، تعداد شرکت‌کنندگان، اعتبار دینی شرکت‌کنندگان، وضع مالی گردنندگان مراسم، نوع غذاهایی که توزیع می‌شود، صدا و

در مبارزه با این تهدیدات و تحریف‌زدایی از این نهضت چیست؟ آگاهان و روشن‌اندیشان و دردمندان جامعه از کجا آغاز کرده و چگونه بایستی این تهدیدات را برطرف کرده و از آموزه‌های نهضت عاشورا و جریان واقعه کربلا تحریف‌زدایی کنند؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، می‌توان بر مواردی چون دعوت به شناسایی دقیق تاریخ عاشورا، لزوم بازشناسی فلسفه و اهداف نهضت عاشورا، تفکیک ذاتیات نهضت عاشورا از عرضیات آن، آسیب‌شناسی و اصلاح سنت‌مداحی و روضه‌خوانی، و تلاش برای تعمیق فهم عموم مردم از واقعه و نهضت عاشورا تاکید کرد. چنانچه بتوان در تحقق موارد گفته شده توفیق نسبی به‌دست آورد، می‌توان تا حدودی از فرایند تحریف‌زدایی واقعه و نهضت عاشورا مطمئن شد.

#### ۱-۶. شناخت دقیق تاریخ عاشورا

اگرچه واقعه عاشورا حدود ۱۴۰۰ سال پیش، در دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری رخ داده است و در آن حضرت سیدالشهدا (ع) و ۷۲ تن از عزیزترین یارانش به فجیع‌ترین وضع شهید شده و خانواده آنها به اسارت رفته‌اند؛ اما از آن زمان تاکنون آثار مکتوب فراوانی، تاریخ واقعه عاشورا را

معروفیت مداح و روضه‌خوان، موفقیت مداح و روضه‌خوان در گریاندن و برانگیختن عواطف مردم و مقدار نذوراتی که مردم می‌دهند، دارای اهمیت بوده و مقدار معنویت مجلس را تعیین می‌کند. متأسفانه در چنین مجالسی که آمیخته با تفاخر، ریا و دین‌فروشی است، خبر چندانی از آموزه‌های اصیل عاشورا نیست و مسابقه کسب اعتبار اجتماعی و دینی در سطح بالایی در جریان است. تداوم این وضع نشانه تحریف در حقیقت عاشورا و بسیار خطرناک است. در واقع، در این تحریف اهداف و آرمان‌های عاشورایی مورد غفلت مردم واقع شده و آنها عمدتاً دلمشغول روش‌ها، سبک‌ها، ابزارها و آئین‌های بزرگداشت عاشورا هستند و هنوز از پوست عبور نکرده‌اند تا به مغز برسند.

#### ۶. راهبردهای ممکن در تحریف‌زدایی از نهضت عاشورا

اکنون که برخی از وجوه تحریفات لفظی و معنوی واقعه و نهضت عاشورا مورد شناسایی قرار گرفت و تهدیدات ناشی از آنها نیز شناخته شد، بطور طبیعی با این پرسش مهم مواجه هستیم که رسالت عقلانی و وظیفه دینی عالمان و اندیشمندان متعهد جامعه اسلامی، و راهبرد موثر آنها

ثبت و ضبط کرده و به تصویر کشیده‌اند. از میان این آثار و کتب، هم آثاری دیده می‌شود که توسط نویسندگان نوشته شده‌اند که به لحاظ تاریخی به زمان واقعه نزدیک بودند و هم تعداد قابل توجهی که از زمان واقعه دور بودند. همچنین بایستی به این نکته توجه داشت که همه تاریخ‌نویسان واقعه عاشورا دوست‌دار امام حسین (ع) نبودند، بلکه تعداد قابل توجهی از مورخان اموی و برخی مورخان مغرض تلاش داشتند تا با روایت نادرست و تحریف شده تاریخ عاشورا، حقیقت محتوایی آن را تحریف کنند. پس، اولویت در شناخت حقیقی تاریخ عاشورا با استفاده از آثار مورخان شیعه یا اهل سنتی است که حداقل در روایت آن واقعه، بی‌طرف بودند. ضمن اینکه، مهم‌ترین منبع تاریخی ما در شناخت جزئیات واقعه عاشورا رجوع به سخنان و روایت‌هایی است که از خود امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، امام سجاد (ع)، و دیگر ائمه معصومین (ع) برای ما به یادگار مانده است. بنابراین استفاده از منابعی که سخنان ائمه معصومین، بویژه امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) را عیناً نقل کرده‌اند، اولویت خاصی دارد.

نکته مهم دیگر آنکه بایستی تاریخ واقعه عاشورا بطور مداوم برای مردم بازگویی شود، تا مردم از جزئیات آن اطلاع دقیقی داشته باشند. برای مثال، تبیین موضوعات و سوالات زیر به لحاظ تاریخی دارای اهمیت خاصی است: ۱. چگونه و در چه شرایطی امام حسن (ع) با معاویه صلح کرد؟ ۲. مفاد صلح امام حسن (ع) و معاویه چه چیزهایی بود؟ ۳. رفتار معاویه با اهل بیت و شیعیان امام علی (ع) در دوران ۲۰ ساله حکومتش چگونه بود؟ ۴. رفتار امام حسن (ع) و بعد امام حسین (ع) در دوران معاویه چگونه بود؟ ۵. چگونه معاویه برخلاف معاهده صلح با امام حسن (ع)، یزید را برای جانشینی خود انتخاب کرد؟ ۶. یزید چگونه شخصیتی بود؟ ۷. چگونه یزید تلاش داشت تا از امام حسین (ع) بیعت بگیرد؟ ۸. چرا امام حسین (ع) از بیعت با یزید امتناع کرد و مجبور به خروج از مدینه به سوی مکه و سپس عراق شد؟ ۹. عملکرد امام (ع) در دوران اقامت در مکه چگونه بود؟ ۱۰. کوفیان چگونه و با چه کیفیتی با نوشتن نامه‌ها، امام (ع) را برای قیام علیه دستگاه اموی به کوفه دعوت کردند؟ ۱۰. واکنش امام (ع) به دعوت کوفیان چه بود؟ ۱۱. امام

بود؟ ۲۴. چگونه اسرای کربلا به شام انتقال داده شدند؟ ۲۵. مواجهه یزید در مجلس خود با اسرای کربلا، بویژه با حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) چگونه بود؟ ۲۶. واکنش و محتوای سخنان حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) در مجلس یزید چگونه بود؟ ۲۷. اسرای کربلا چه مدت در شام و تحت چه شرایطی اقامت داشتند؟ ۲۸. بازگشت اسرا به مدینه و کربلا در چه زمانی و چگونه صورت گرفت؟ ۲۹. برپایی عزای سیدالشهدا و یاران او، برای اولین بار، در چه شرایطی و با چه کیفیتی برقرار شد؟ ۳۰. لثمه معصومین (ع) بعدی چگونه مراسم عزای امام حسین (ع) را برپا می‌کردند؟

اینها تنها تعدادی از سوالات مهم تاریخی درباره واقعه و نهضت عاشورا است که بازخوانی و بازگویی پاسخ‌های آنها برای ما و مردم موجب ماندگاری جزئیات تاریخ عاشورا در اذهان مردم، بویژه شیعیان سیدالشهدا می‌شود. اهمیت بازخوانی تاریخی این سوالات آن است که تا زمانی که مردم از اصل تاریخ وقوع و جزئیات یک حماسه دینی، اطلاع خوبی نداشته باشند، نه می‌توانند از اهداف اصیل آن نهضت دینی شناخت درستی کسب

(ع) چه اقداماتی در جهت آگاه کردن دیگر مسلمانان برای قیام خود، انجام داد؟ ۱۲. امام (ع) با فراهم شدن چه شرایطی قصد عزیمت به سمت کوفه نمود؟ ۱۳. در کدام منزل امام (ع) از نقض پیمان کوفیان و کشته شدن مسلم آگاه شد و واکنش او چه بود؟ ۱۴. واکنش امام (ع) در مواجهه با سپاه حر چه بود؟ ۱۵. چگونه سپاه حر و قافله امام (ع) نهایتاً سر از سرزمین کربلا درآوردند؟ ۱۶. چگونه کوفیان پیمان خود را با امام (ع) نقض کرده و در لشکر عمر سعد برای کشتن امام (ع) به صف شدند؟ ۱۷. در روز نهم محرم ۶۱ چه اتفاقاتی بین لشکر امام (ع) و عمر سعد رخ داد؟ ۱۸. امام (ع) و یاران او با چه وضعی و در چه شرایط ناگواری شهید شدند؟ ۱۹. محتوای سخنان روشنگرانه امام با (ع) لشکریان عمر سعد چه بود؟ ۲۰. پس از شهادت امام (ع) و یارانش، رفتار لشکریان عمر سعد، با اجساد کشته شدگان چگونه بود؟ ۲۱. رفتار لشکریان عمر سعد با اهل بیت امام (ع) و اسرا چگونه بود؟ ۲۲. رفتار عبیدالله بن زیاد و مردم کوفه با اسرای کربلا چگونه بود؟ ۲۳. واکنش و ماهیت سخنان امام (ع) سجاد و حضرت زینب (س) در برابر عبیدالله و مردم کوفه چگونه



کنند و نه قادرند تا از وقوع تحریفات لفظی و معنوی در آن مانع شوند. پس، اولین گام، معرفی دقیق تاریخ عاشورا به همه مردم است که زمینه تحریف را از بین می برد.

## ۲-۶. بازخوانی مداوم فلسفه و اهداف نهضت عاشورا

پس از اینکه چگونگی وقوع حادثه کربلا بطور دقیق تبیین شد، بطور طبیعی بایستی سپس به چرایی وقوع حوادث پرداخت. یعنی همواره در تحلیل منطقی حوادث تاریخی، ابتدا چگونگی و بعد چرایی رخدادها دارای اهمیت هستند. اکنون پرسش از چرایی واقعه عاشورا است که ما را با علل و زمینه های وقوع و اهداف و نتایجی که این رخداد ناظر به آن بود، آشنا می سازد. پس، اکنون می توان این پرسش های مهم و اساسی را طرح کرد: ۱. چرا امام حسین (ع) در دوران معاویه قیام نکرد؟ ۲. چرا امام حسین (ع) با یزید بیعت نکرد و علیه حکومت او قیام کرد؟ ۳. چرا امام (ع) خروج از مدینه و اقامت در مکه را انتخاب کرد؟ ۴. اهداف امام (ع) از حرکت اصلاحی او چه بود؟ ۵. چرا امام (ع) دعوت کوفیان را پذیرفت؟ ۶. چرا امام (ع) به سمت کوفه حرکت کرد؟ ۷. چرا امام (ع) به نقض عهد کوفیان و ظلم

یزید تاکید دارد؟ ۸. محورهای مهم سخنان امام (ع) در منازل بین راه و روزهای تاسوعا و عاشورا چیست؟ ۹. محورهای مهم سخنان امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) در کوفه و شام چیست؟

اگر پاسخ به این سوالات بطور دقیق بازکاوی شود، دلایل نهضت اصلاحی امام حسین (ع) و اهداف مهمی که این نهضت ناظر به آن بود، شناسایی می شود که عبارتند از: ۱. امر به معروف، ۲. نهی از منکر، ۳. آزادی خواهی، ۴. عدالت طلبی، ۵. ظلم ستیزی، ۶. دوری از ذلت و نظایر آنها که همواره بایستی با استناد به سخنان امام حسین (ع) این اهداف مورد تاکیدات مکرر و موکد قرار گیرد. یعنی در هر مجلسی، و در هر عزایی که برای شهادت امام حسین (ع) برپا می شود، بیشتر از اینکه به این پرداخته شود که او و یارانش چگونه شهید شدند، بایستی یادآوری شود که اباعبدالله برای برپایی و اقامه این اهداف جان عزیز خود را فدا کردند تا الگوی همیشگی ما باشند.

## ۳-۶. تفکیک ذاتیات و عرضیات نهضت عاشورا

از مهم ترین موارد رسالت عقلانی ما در شناخت و آسیب زدایی و تحریف زدایی از نهضت عاشورا، تفکیک ذاتیات آن از

عرضیاتش است. در اینجا، منظور از ذاتیات عاشورا، آن اهداف مقدس جهانشمولی است که این نهضت برای تحقق آنها با اهدای خون انسانهای شریفی چون امام حسین (ع) و یاران باوفایش برپا شده است. پس مواردی چون امر به معروف، نهی از منکر، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و آزادی‌خواهی، از ذاتیات و مقومات اصلی نهضت عاشورا هستند که بدون آنها، عاشورا معنای اصلی خود را از دست می‌دهد. در مقابل، عرضیات آن شامل جزئیات تاریخی واقعه عاشورا، نحوه وقوع آن، زمان و مکان وقوع آن، نحوه استفاده از روش‌ها در پاسداشت نهضت عاشورا و ابزارهایی هستند که به این منظور بکار گرفته می‌شوند. اگرچه نقش همه این موارد عرضی هم مهم هستند، اما آنها ذاتی نهضت عاشورا نیستند، یعنی امکان داشت نهضت عاشورا به لحاظ تاریخی، طوری دیگر، یا با جزئیات تاریخی دیگری، یا در زمان و مکان دیگری رخ می‌داد؛ یا اینکه از روش‌ها و ابزارهای دیگری برای مراقبت و پاسداشت آن استفاده می‌شد، ولی ذاتیات آن از آن جدایی‌ناپذیرند. پس، عرضیات نهضت عاشورا مقوم آن نیستند و نایستی درباره نقش و اهمیت آنها بیش از حد

اصرار کرد.

حال می‌توان گفت یکی از تهدیدات مهم کنونی نهضت عاشورا درخصوص شیعیان، عدم تفکیک ذاتیات آن از عرضیات آن توسط شیعیان است؛ یعنی عمده مردم خود را دلمشغول مواردی چون جزئیات تاریخی حادثه عاشورا، مانند نحوه کشته شدن فجع امام حسین (ع) و یاران او، کرده‌اند و هر آن بر آن گریه می‌کنند؛ یا اینکه عمدتاً درگیر مسائل حاشیه‌ای چگونگی باشکوه برگزار کردن مراسم عاشورا، مانند دعوت مداحی که مردم را خوب بگریانند، یا روضه خوانی که در گریاندن مردم مهارت خوبی داشته باشد، یا تهیه غذای با کیفیت برای عزاداران و نظایر آن شده‌اند، درحالی‌که موارد مذکور، و بسیار مسائلی از این قبیل، جزء مسائل عرضی و حاشیه‌ای و فرعی ما در پاسداشت نهضت عاشورا هستند و اینها موقعی دارای ارزش شایسته هستند که در برجسته‌سازی و تذکر ذاتیات نهضت عاشورا به خوبی ایفای نقش کنند؛ درحالی‌که اگر دلمشغولی ما به این امور عرضی و حاشیه‌ای، مانع تأمل و تفکر در ذاتیات عاشورا شود، در اینصورت نه تنها امور عرضی هیچ ارزش مثبتی ندارند، بلکه

درواقع ایفاگر نقش منفی و مخرب درباب نهضت عاشورا هستند. دراینجا، بعنوان نمونه برگریه، که نمودی از عزاداری بر مصیبت امام حسین (ع) است اشاره می شود. در اینکه گریه، نشان دهنده اندوه و تأثر قلبی و مشارکت ما در غم و مصیبت عظیمای واقعه کربلا است، هیچ تردیدی نیست و از آنجا که در واقعه غم انگیز عاشورا، انسلنهای شریفی به طرز ناجوانمردانه ای کشته شدند، گریه ما بر کشته شدن آنها، نشان دهنده نزدیکی قلبی ما با آن بزرگان و اعلام انزجار از کشتندگان آنها و اعلام آمادگی برای جانبازی در راه اهداف متعالی ای است که آنها برای تحقق آن اهداف خون خود را هلیه کردند. تا این حد، گریه بر مصیبت سیدالشهدا (ع) نه تنها لازم، بلکه مفید و الهام بخش است، درعین حال که گریه تنها وسیله ای عرضی برای پاسداشت این نهضت مقدس است، اما اصرار بیش از حد بر صرف گریه بر مصیبت سیدالشهدا (ع) و محدود کردن عزاداری آن حضرت، فقط به گریه کردن بر نحوه کشته شدن او و اصحابش در کربلا و خلاصه کردن عزای حسینی به صرف گریه، از بزرگترین تحریفات ما شیعیان درباب پاسداشت نهضت عاشورا و از مهم ترین

جفاهایی است که ما در حق امام و یاران باوفایش مرتکب می شویم. در این زمینه، یکی از محققین نقش اصرار برگریه در تحریف نهضت عاشورا را اینگونه توضیح می دهد که به پندار برخی، عاشورا و حماسه حسینی در گریه و ناله خلاصه می شود. به خیالشان اصل اصیل، جز گریه نیست و هر چیز دیگری را باید با آن سنجید و بس! هر خبر و حدیثی هر قدر هم صحیح و معتبر باشد، اما نتواند موجب گریه شنوندگان شود، در دیدگاه آنها ارزش ندارد. برخی روضه خوانان و مداحان، همیشه با این تصور و پیش فرض ذهنی، به سراغ مقاتل و تاریخ می روند که سوزناک ترین و گریه آورترین سخن یا داستان را به دست آورند. حال اگر هم چیزی اعم از درست و نادرست پیدا کردند، آن قدر به آن شاخ و برگ می دهند که بکلی از حالت اصلی خارج می سازند. گاهی از یک جمله نیم سطری، یک داستان بلند، و از یک روایت کوتاه، ده ها رمان می سازند (صحتی، ۱۳۹۴، ص ۲۸۸). جالب این است که در چنین مجالسی به برخی احادیث غیر معتبر با معنای موسع آن، مانند «هرکس بر حسین گریه کند بهشت بر او واجب است، یا هرکس بر

حسین گریه کند در حالیکه آگاه به حق او باشد، بهشت بر او واجب است» (مجلسی، بی تا، ج ۱۰۰، ص ۲۹۳)، تاکید می‌کنند در حالیکه چنین احادیثی، حتی در صورت اعتبار سندی، دارای چنین معنای مطلق و موسعی نیست و استفاده نابجای از آنها موجب تحریف عزای امام حسین (ع) می‌شود.

بنابراین اصرار افراطی بر عامل گریه، که روشی عرضی و فرعی است، موجب غفلت از نقش عوامل مهم‌تر دیگر، و بویژه موجب به فراموشی سپردن اهداف مقدسی است که این نهضت برای برپایی آنها ایجاد شده است. در واقع، خلاصه کردن پاسداشت نهضت عاشورا در امور عرضی چون گریه، همان دل‌بستگی به صفحه سیاه عاشورا و فراموش کردن صفحه نورانی و معنوی آن است که این غفلت و تحریف، می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیری را برای امت شیعی داشته باشد.

#### ۴-۶. آسیب‌شناسی روضه خوانی و مداحی

همانطور که در بند پیشین بیان شد، یکی از مهم‌ترین اقدامات ما در تحریف زدایی از نهضت عاشورا، بازشناسی ذاتیات آن از عرضیاتش است. در این زمینه، بایستی متذکر شد که همه شیوه‌های پاسداشت نهضت عاشورا، مانند عزاداری،

نوحه خوانی، مداحی، روضه خوانی، تعزیه خوانی، ساخت فیلم و نوشتن آثار هنری و پژوهشی، تنها در زمره روش‌های حفظ و اشاعه نهضت عاشورا هستند که دارای دو ویژگی، عرضی بودن و عدم تقدس هستند. پس، آئین‌های روضه خوانی و مداحی، بعنوان روش‌هایی برای حفظ و پاسداشت آموزه‌های نهضت عاشورا، هیچگاه ارزش و تقدس ذاتی ندارند، بلکه ارزش آنها بستگی به نقش مفیدشان در انجام رسالتی است که برعهده دارند. ضمن اینکه عواملی چون زمان، مکان، ذهنیات و نحوه معیشت مردم، فرهنگ بومی، و نظایر آن نقش مهمی در شکل‌دهی به ماهیت انواع عزاداری‌های امام حسین (ع) دارند. حال در این زمینه، با توجه به مشکلات مهمی که در روضه خوانی‌ها و مداحی‌های کنونی وجود دارد، وظیفه اندیشمندان متعهد جامعه اسلامی زدودن آسیب‌های آنان است. در این زمینه، تاکید بر عامل گریه، باعث سیاه جلوه دادن واقعه عاشورا و غفلت از صفحات نورانی آن، و اصرار بر جنبه عاطفی نهضت عاشورا، موجب غفلت از ابعاد عقلانی آن و تبدیل عزاداری عاشورا به بهانه‌ای برای کسب معاش و اعتبار دنیوی است که این موارد از

مهم ترین مشکلات مجالس روضه خوانی و مداحی امروز جامعه شیعی ما است (ضیایی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۹). در واقع، یکی از مشکلاتی که عموم روضه خوانان و مداحان گرفتار آن هستند، اطلاعات اندک آنها از جزئیات تاریخ واقعه عاشورا مطابق منابع معتبر، غفلت آنها از هدف از برگزاری عزای حسینی و ناآگاهی از ماهیت عزاداری بعنوان یک روش، نه هدف، است. در این زمینه، در مقام آگاهی دهی، ابتدا بایستی آنان را به بازخوانی، مطالعه و بازاندیشی جزئیات واقعه عاشورا از منابع معتبر دعوت کرد. همچنین از آنان خواست تا چرایی ها و فلسفه نهضت عاشورا را مطالعه کنند تا اینکه به این بصیرت دست یابند که هدف از برپایی عزای حسینی، گریه بر نحوه شهادت او و یارانش نیست، بلکه هدف، زنده نگه داشتن اهداف و آرمان های مقدس و متعالی ای است که سیدالشهدا (ع) و یاران او برای برپایی آنها خون خود را هدیه کردند. اگر روضه خوانان و مداحان، به این مهم، یعنی تفکیک امور ذاتی و عرضی عاشورا، بصیرت یابند، دیگر هیچ عامل تحریفی قادر به تهدید این نهضت از ناحیه آنها نیست. زیرا بطور طبیعی در مسیر اعتلای آرمان های مقدس امام حسین (ع)،

مانند امر به معروف، نهی از منکر، عدالت طلبی، آزادی خواهی و ظلم ستیزی، روضه خوانی و مداحی می کنند نه برای گریندن بیشتر مردم و دریافت پول و حق الزحمه بیشتر که مجبور شوند انواع تحریفات را در عزای حسینی داخل کنند.

#### ۵-۶. تلاش برای تعمیق فهم مردم از آموزه های عاشورا

در باب پاسداشت نهضت مقدس عاشورا، بزرگ ترین تحریف و تهدید متوجه عموم مردم و حتی برخی فرهیختگان جامعه، همان ناآگاهی از حقیقت تاریخی و آموزه های اصیل نهضت عاشورا است. در واقع، عمده مردم، علیرغم محبت و علاقه وافری که به ابا عبدالله الحسین (ع) نشان می دهند، درباره جزئیات و امهات واقعه عاشورا و بویژه آرمان های مقدس آن، یا ناآگاه هستند یا بی توجه. علت این امر، متأسفانه توجه قشر بیشتری از مردم به جنبه آئینی و مراسمی بودن عاشورا است. به همین دلیل، وقتی که مردم در دهه محرم، عمده تلاش خود را صرف عزاداری می کنند و میزان نذورات و هزینه های مالی که انجام می دهند، تقریباً، حتی یک صدم آن را نیز صرف مطالعه یا چاپ آثار پژوهشی ارزشمند و دعوت دیگران به مطالعه آنها نمی کنند. در واقع، عمده مردم در حالی

### نتیجه گیری

در این تحقیق، مسائل مربوط به تحریفات نهضت عاشورا و ابعاد چنین تحریقاتی و چگونگی مقابله با آنها بررسی شد. ابتدا بیان شد که همه رخدادهای مهم تاریخی و نهضت‌های دینی در معرض انواع تحریف‌های لفظی و محتوایی یا معنوی هستند. همچنین توضیح داده شد که چه عوامل اجتماعی، سیاسی، انسانی و معرفتی در ایجاد تحریفات شکل دارند و اینکه چرا همواره نهضت‌های مهم حماسی و دینی، مانند عاشورا در معرض تحریفات جدی هستند. در ادامه به آسیب شناسی تحریفات عاشورا پرداخته شد و توضیح داده شد که تنها نگرش عقلانی و معرفت‌شناسانه ما به نهضت عاشورا است که رسالت ما را در قبال رهبری این نهضت به‌درستی تعریف کرده و مانع تحریف آن از سوی ما و موجب هوشیاری ما نسبت به تحریف آن از سوی دشمنان می‌گردد. خلاصه اینکه تحریفات صورت گرفته لفظی و معنوی در واقعه و نهضت عاشورا، که متأسفانه هنوز نیز ادامه دارد، حقیقتی انکارناپذیر است. مهم‌تر از آن این است که امروزه توده ناآگاه مردم نقش بیشتری از دشمنان در تحریف نهضت عاشورا دارند.

سال‌های سال است که عزای امام حسین (ع) را برپا می‌کنند و بعنوان یک آئین دینی به آن توجه دارند، که حتی متأسفانه در طول عمر خود، یک کتاب مفید درباره نهضت عاشورا مطالعه نمی‌کنند. تأسف‌بارتر اینکه مردم حاضرند ساعت‌ها وقت خود را صرف زنجیرزنی و سینه‌زنی کنند، اما علاقه‌ای به مطالعه درباره نهضت عاشورا ندارند. این مشکل باعث غفلت مردم از تاریخ واقعی عاشورا، عدم بصیرت به آموزه‌ها و آرمان‌های امام حسین (ع) از قیام خونین خود و استفاده نادرست و انحرافی از روش‌های پاسداشت عاشورا می‌شود.

در مقام آسیب‌زدایی از این تحریف بایستی مردم را به بازاندیشی در خود واقعه عاشورا، اهداف متعالی آن و رسالت سنگین آنها در پاسداشت آن دعوت کرد. یعنی مردم، سه وظیفه عمده دارند که بایستی بطور مداوم توسط آگاهان جامعه به آنها گوشزد شود: ۱. فهم دقیق واقعه عاشورا از منابع معتبر، ۲. فهم اهداف سیدالشهدا (ع) از برپایی قیام عاشورا، ۳. بصیرت به اینکه رسالت کنونی مردم در حفظ و مراقبت از آموزه‌ها و آرمان‌های عاشورایی چیست؟

این واقعیت تاسف‌بار، امروزه رسالت متفکران دلسوز را در تحریف زدایی از عاشورا دوچندان ساخته است.

در اینجا، در مقام جمع بندی و نتیجه، حدیث معروف منقول از امام صادق را در نگرش آسیب شناسانه به تحریفات عاشورا مورد توجه قرار می‌دهیم. امام صادق (ع) در حدیث معروفی می‌فرماید: دو کس پشت مرا شکستند: دانشمند پرده در و عابد نادان. آن یکی با زشتکاریهای خود مردم را از علمش باز می‌دارد و این یکی با نادانی خود آنها را از عبادتش باز می‌دارد (رک: عوالی اللآلی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۶۴). این حدیث بیان می‌کند که دو گروه و دو طایفه بزرگترین خطر برای دین هستند، طوری که خطر آنها حتی از خطر دشمن بیشتر است. گروه اول عالم بی‌بندبار است که بواسطه سوء استفاده از دین، مردم را از دین ناامید می‌کند، و دوم، جاهل مقدس مآب است که با نادانی خود مردم را از عبادتش متنفر و رویگردان می‌سازد. در واقع، این دو گروه، تصویر نادرست و کاریکاتوری از دین ارلئه می‌دهند که باعث آزدگی خاطر و رویگردانی مردم از دینی می‌شود که آنها ارائه می‌کنند. حال می‌توان درباره تحریفات نهضت عاشورا هم به

چنین رابطه‌ای اندیشید؛ یعنی تحریف حقیقت عاشورا از سوی دشمنان و دوستان بعنوان عالم بی‌بندبار و دوستان و شیعیان مقدس مآب است که بیشترین صدمه و آسیب را در بردارد. دشمنان عاشورا بواسطه مخالفت با اصل حقیقت عاشورا و برخی عالمان شیعه، مانند روضه‌خوانان و مداحانی که از طریق عزاداری ارتزاق می‌کنند، عامل مهم تحریف آن هستند، ضمن اینکه متأسفانه نقش روضه‌خوانان و مداحانی که عزاداری محرم را وسیله ارتزاق خود کرده‌اند، بسیار برجسته است. همچنین ناآگاهی و نگرش عوامانه و عاطفی توده مردم نیز به نهضت عاشورا، همان تلقی مقدس مآبانه از آن است که در تهی کردن محتوای آن نقش زیادی دارد. حال، در مقام آسیب‌شناسی، نهضت عاشورا و برای اقدام به تحریف زدایی آن، بزرگترین رسالت متفکران دردآشنا، مواجهه عقلانی با این دو گروه، یعنی عالمان بی‌بندبار و جاهلان مقدس مآب است، که البته نوع و روش مواجهه با هر یک متفاوت از دیگری است.

سخن آخر در باب اهمیت تفاوت و تمایز تاکید بر پرسش از چگونگی و چرایی واقعه و نهضت عاشورا است. متأسفانه

یکی از علل تحریف‌ها محتوایی این نهضت، توقف عمده مردم و حتی خطیبان و روضه‌خوانان و مداحان در چگونگی واقعه عاشورا، و عدم پردازش کافی در باب چرایی وقوع آن است. اگرچه فهم چگونگی واقعه عاشورا، لازمه فهمیدن فلسفه و چرایی آن است، اما متوقف شدن در چگونگی آن و عدم تأمل در چرایی آن، جفای نابخشودنی ما در حق سیدالشهدا (ع) است. زیرا تنها با تأمل در چرایی واقعه و نهضت عاشورا است که ما به علل اجتماعی، سیاسی، دینی و تاریخی رخ دادن این واقعه و بویژه به اهداف مقدسی که تحقق آنها مورد نظر این نهضت بود، بصیرت می‌یابیم. پس، رسالت ما در تحریف زدایی عاشورا، گذر از تاریخ و تعمق در فلسفه عاشورا است که می‌تواند هدایتگر ما در شب‌های ظلمانی روزگاران متفاوت و بشارت دهنده عدالت و آزادی حقیقی باشد.

#### ملاحظات اخلاقی:

**حامی مالی:** این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

**تعارض منافع:** طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

**برگرفته از پایان نامه/رساله:** این مقاله برگرفته از پایان نامه/رساله نبوده است.



## منابع

- ابن ابی جمهور، محمدبن زین الدین (۱۴۰۳)، عوالی اللالی، قم، موسسه سیدالشهدا.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۸۸)، بدعت قمه زنی، چاپ شده در: عاشورا، عزاداری، تحریفات، به کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، قم، انتشارات صحیفه خرد.
- آقاجانی، علی (۱۳۸۸)، آسیب های عزاداری، چاپ شده درک عاشورا، عزاداری، تحریفات، به کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، قم، انتشارات صحیفه خرد.
- امین عاملی، سید محسن (۱۹۸۲) رساله التنزیه فی اعمال الشیبه، صیدا.
- بحرانی، علامه (۱۳۷۱)، مستدرک عوالم العلوم قم، موسسه الامام المهدی.
- حنبل، احمد بن (بی تا)، مسند احمد، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- شهرستانی، هبه الله (۱۹۳۰م)، علماونا و تجاهر بالحق، مجله العلم، سال دوم، نجف.
- ضیایی، سید عبدالحمید (۱۳۸۸)، تحریف عاشورا، فرهنگ عاشورا، چاپ شده در: عاشورا، عزاداری، تحریفات، قم، نشر صحیفه خرد، چاپ اول.
- قاضی طباطبایی، محمدعلی (۱۳۶۸)، تحقیق درباره اربعین اول سیدالشهدا، تهران، موسسه قاضی طباطبایی، چاپ سوم.
- قربانی، قدرت الله (۱۳۹۶)، عقلا نیت شیعی و نهضت عاشورا، ایلام، انتشارات ریسمان.
- مجلسی، علامه محمدتقی (بی تا)، بحارالانوار، مجلدات مختلف، تهران، چاپ اسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، ده گفتار، تهران، صدرا.
- نوری، میرزا حسین (۱۳۷۵)، لولو و مرجان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- صحتی سردرودی، محمد (۱۳۹۴)، تحریف شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین (ع)، تهران، چاپ و نشر بین الملل.